

Analyzing the Views of Iranian Thinkers on the Political Status of Women: The Discourses of Mirzā-ye Nā'īnī and Shahīd Beheshī

Mohammad Zohourimanesh¹, Hossein Abolfazli Karizi², Ali Salehi Farsani³

¹ Ph.D. student in Political Thought, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran. zohourimanesh@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Political Science, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran (Corresponding author). h.abolfazli@semnaniau.ac.ir

³ Assistant Professor, Department of Political Science, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran. ali_salei62@ut.ac.ir

Abstract

The aim of this research is to examine the views of Iranian thinkers regarding the political status of women, with an emphasis on the discourses of Mirzā-ye Nā'īnī and Shahīd Beheshī. Within a descriptive-analytical framework and using the discourse analysis method of Laclau and Mouffe, this study seeks to answer the question: What are the foundations of the political status of women in the discourses of these two thinkers? The results indicate that Mirzā-ye Nā'īnī sought to present his discourse in accordance with new relations, principles, and regulations, while considering the foundations of Islam and the public welfare of the people. His discourse, which stood in opposition to the traditional pre-constitutional approach and the instrumental view of women in modern thought, stabilized its foundations by adopting modernist ideas rooted in law, human equality, and the active role of both men and women in shaping their political and social destiny. During the Islamic Revolution, Shahīd Beheshī, who rejected traditional prejudices, Pahlavi modernism, and disregard for religious identity as "the other," believed in the natural rights of all humans. Based on religious principles and considering contemporary exigencies, he positioned women as equals to men, not as inferior. In fact, Iran's encounter with the discourse of modernism led thinkers like Nā'īnī during the Constitutional period and Beheshī during the Revolution to, through tools such as *ijtihād* (independent reasoning), internalize many of the signifiers of modern discourse—such as gender equality and women's social participation in various political and social activities—and reframe them within an Islamic identity. Despite the similarities in their views on women, particularly regarding concepts like freedom within the framework of Shari'a, hijab, and other matters, a clear distinction can be observed. Nā'īnī, considering the political and social conditions of the time, where democratic demands were at the forefront for constitutionalists, treated the issue of women as a secondary concern, alongside other topics, and did not focus on it independently. However, in Beheshī's discourse, which was specifically shaped by the revolutionary conditions and the emergence of a *fiqhi* Islamic framework after the revolution, a new perspective emerged from within the traditional discourse. This perspective, while recognizing and emphasizing various dimensions of women's activism, analyzed the issue in practical terms. In contrast, Nā'īnī's discourse, due to the continuation of traditional structures in post-constitutional Iran and the lack of fundamental reforms regarding women, remained dominated by pre-constitutional traditional discourse.

Keywords: Women, Constitutional Era, Islamic Revolution of Iran, Mirzā-ye Nā'īnī, Shahīd Beheshī.

Received: 2023-12-06 ; Received in revised form: 2024-01-12 ; Accepted: 2024-02-18 ; Published online: 2024-03-24

<https://doi.org/10.22034/sm.2024.548487.1836>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



بررسی آراء متفکرین ایرانی پیرامون جایگاه سیاسی زنان؛ گفتمان‌های میرزای نائینی و شهید بهشتی

محمد ظهوری منش^۱، حسین ابوالفضلی کریزی^۲، علی صالحی فارسانی^۳

^۱ دانشجوی دکتری اندیشه‌های سیاسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. zohourimanesh@gmail.com

^۲ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران (نویسنده مسئول).

h.abolfazli@semnaniau.ac.ir

^۳ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. ali_salei62@ut.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی آراء متفکرین ایرانی پیرامون جایگاه سیاسی زنان با تاکید بر گفتمان‌های میرزای نائینی و شهید بهشتی است. در چارچوبی توصیفی تحلیلی و با کاربرد روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که، زن و جایگاه سیاسی وی، در گفتمان این دو متفکر بر چه مختصاتی مبتنی است؟ نتایج حاکی از آن است که میرزای نائینی تلاش کرد گفتمان خود را متناسب با مناسبات، اصول و قواعد جدید و در جهت تأمین مصلحت عمومی مردم با در نظر داشتن مبانی دین اسلام، ارائه دهد. گفتمانی که در تقابل با رویکرد سنتی پیش از مشروطه و نگاه ابزاری به زن در اندیشه مدرن، با اقتباس از اندیشه‌های مدرنیستی مبتنی بر قانون، برابری انسان‌ها و نقش‌آفرینی زنان و مردان در تعیین سرنوشت سیاسی اجتماعی، شالوده‌های خود را تثبیت می‌کرد. در دوران انقلاب اسلامی نیز شهید بهشتی که تعصبات سنتی، مدرنیسم پهلوی و بی‌توجهی به هویت دینی را به‌عنوان غیر شناسایی می‌کرد، ضمن اعتقاد به‌حق طبیعی انسان‌ها، با اتکاء بر مبانی دینی و با توجه به مقتضیات زمانی، زن را نه در موقعیتی مادون مرد، بلکه برابر با وی قرار می‌دهد. در واقع رویارویی ایران با گفتمان مدرنیسم سبب شد تا متفکرانی همچون نائینی در زمان مشروطه و بهشتی در زمان انقلاب، به اتکاء بر ابزارهایی همچون اجتهاد، بسیاری از دل‌های گفتمان مدرن همچون برابری زن و مرد یا حضور اجتماعی زنان در فعالیتهای مختلف سیاسی و اجتماعی را در درون خود جذب کرده و مجدد هویت‌بخشی کنند. با وجود شباهت‌هایی که در نوع نگاه به زن در گفتمان دو چهره مورد مطالعه دیده می‌شود، به‌ویژه در مسائلی همچون آزادی در چارچوب شریعت، حجاب و غیره، می‌توان این تمایز را دریافت که در گفتمان نائینی با توجه به شرایط زمانی و مقتضیات سیاسی

استناد به این مقاله: ظهوری منش، محمد؛ ابوالفضلی کریزی، حسین؛ صالحی فارسانی، علی (۱۴۰۳). بررسی آراء متفکرین ایرانی پیرامون جایگاه سیاسی زنان؛ گفتمان‌های میرزای نائینی و شهید بهشتی. *سیاست متعالیه*، ۱۲(۱): ص ۲۹۹-۳۱۸.

<https://doi.org/10.22034/sm.2024.548487.1836>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۰/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



اجتماعی آن دوران که بیشتر مطالبات دموکراتیک مورد توجه مشروطه‌خواهان بود، لاجرم نگاه نائینی به مقوله زن در واقع تابعی در کنار دیگر توابع بوده و به شکل مستقل مورد تمرکز و تأکید قرار نگرفته است. اما در گفتمان بهشتی که مشخصاً برآمده از شرایط انقلابی و شکل‌گیری چارچوب اسلام فقاهتی پس از انقلاب است، با نگاهی نو از درون گفتمان سنت، ضمن شناسایی و تأکید بر ابعاد مختلف کنشگری زنان، این مقوله را در بعد عملیاتی تحلیل نموده است؛ حال آنکه در گفتمان نائینی، به دلیل تداوم ساختار سنتی ایران دوره مشروطه و عدم انجام اصلاحات اساسی در حوزه زنان، کماکان گفتمان سنتی پیش از مشروطه دارای غلبه بود.

واژه‌های کلیدی: زن، عصر مشروطه، انقلاب اسلامی ایران، میرزای نائینی، شهید بهشتی.

۱. مقدمه

آشنایی و رویارویی‌های جامعه ایرانی عصر قاجار با دنیای غرب و اندیشه تجدد و بیداری و ظهور افکار و جنبش‌های درونی جامعه که از انگیزش‌های دینی و ملی برخوردار بود، به ایجاد برخی تحولات در نظام، ساختار و مناسبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی انجامید. یکی از مهم‌ترین تحولات تاریخ جدید ایران، توجه به نقش زنان و جایگاه حقوق سیاسی و اجتماعی وی در جامعه بود (پروین، ۱۳۸۹: ص ۵۹). فهم دقیق این موضوع، بدون بررسی تاریخ آن و بازگشت به نقطه آغاز شکل‌گیری و پیدایش، امکان‌پذیر نیست. تا پیش از مشروطیت، زنان ایرانی در یک وضعیت سنتی به سر می‌بردند و در جامعه جایگاهی برای زنان وجود نداشت. در این زمان گروه اندکی از زنان تحصیلکرده که بیشترشان وابسته به طبقات بالای جامعه بودند، حرکت‌هایی را در راستای کسب حقوق زنان انجام دادند. اما این فعالیت‌ها کافی نبوده و اکثریت زنان هنوز از حقوق مسلم خود آگاه نبودند و به دلیل عدم آگاهی، زندگی سنتی نزد ایشان مقبول‌تر می‌نمود. از همین‌رو، انقلاب مشروطه که در فاصله سال‌های ۱۲۸۴ تا ۱۲۸۵ هجری شمس در ایران رخ داد، نقطه عطف بنیادینی در جریان‌های سیاسی و اجتماعی یک قرن اخیر به‌شمار می‌آید؛ زیرا نه‌تنها پایانی بر شیوه سنتی حکومت شاهان در ایران محسوب می‌شد، بلکه نشان‌دهنده ظهور مدرنیته در جامعه ایران و آغاز نگاهی نو به جایگاه زن در عرصه توسعه و سیاست بود (چمنی مقدم و همکاران، ۱۴۰۰: ص ۲۱۶).

تحلیل گفتمان یکی از روش‌ها و مدل‌هایی است که می‌توان در تحلیل پدیده‌های سیاسی و اجتماعی از آن بهره گرفت. از دیدگاه لاکلا و موفه، هیچ امری ناگهانی و لحظه‌ای نیست و برای هر امری می‌توان ریشه‌های درونی یافت. از این منظر هویت تاریخی و جایگاه دال شناور زن در ایران، از دل گفتمان‌های تاریخ ایران بر ساخته شده است، چراکه هویت هر پدیده‌ای در اتصال با دیگر هویت‌هایی که در کنار هم مفصل‌بندی شده‌اند، کسب می‌شود و با هرگونه تغییر و دگرگونی در گفتمان‌ها و مفصل‌بندی‌هایشان، هویت‌های وابسته به آن نیز تعریف نوینی پیدا می‌کنند (استاک و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۸).

جمهوری اسلامی ایران با ظهور و بروز یک تحول گفتمانی در جامعه ایران قابل شناسایی است. این انقلاب نه‌تنها در وضعیت جامعه ایران نمایانگر تحولی گفتمانی و معنایی بود، بلکه توانست با ایجاد یک پیوند، نشانه و معنای جدیدی را به منصفه ظهور برساند. انقلابی که با ترفیع جایگاه زن در همه شئون زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی، بر این باور بود که زنان باید عهده‌دار وظیفه ساخت و حفاظت از نظم سیاسی مبتنی بر اسلام و ارزش‌های الهی باشند (سیمبر و رضاپور، ۱۳۹۷: ص ۱۳۳-۱۳۴).

رجوع به آراء اندیشمندان و متفکران شاخص این دو دوره تاریخی که در پژوهش حاضر میرزای نائینی و

شهید بهشتی به‌عنوان دو روحانی متفکر که هر دو دغدغه انطباق دین با مقتضیات نوین جامعه اسلامی را داشتند، حائز اهمیت است. جهت بررسی آرای این نظریه‌پردازان که در واقع آئینه تمام‌نمایی از حوادث سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی است، می‌توان از تحلیل گفتمانی به‌عنوان روشی مؤثر در شناسایی و تبیین تحول جایگاه زن در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی کشور بهره گرفت. در همین راستا، پژوهش حاضر، روش تحلیل گفتمان را به‌عنوان مبنای تحلیل و بررسی مسأله مبتلابه خود برگزیده است. بدیهی است با توجه به فراوانی اندیشه‌ورزان این دو دوره تاریخی که از ظرفیت پژوهش حاضر فراتر است، لذا، تلاش خواهد شد تا با گزینش برجسته‌ترین متفکرین این دو دوره، و تمرکز بر آراء و اندیشه‌های ایشان پیرامون مقوله زن در بستر گفتمان‌های غالب، یعنی تجدد و سنت‌گرایی به سؤال اصلی پژوهش پاسخ داده شود.

۲. پیشینه پژوهش

در جدول (۱) تحقیقات مرتبط با تحلیل گفتمان و جایگاه زن در ایران و آراء متفکران پیرامون موضوع زنان آمده است.

جدول ۱- تحقیقات مرتبط با تحلیل گفتمان و جایگاه زن در ایران

عنوان	موضوع محوری	محقق
نظریه گفتمان	با ارائه ابزارهای تحلیل و تفسیر گفتمانی، تمایزات و تشابهات تحلیل انتقادی گفتمان و نظریه‌ی گفتمان از منظر روش‌شناسی، مواضع این دو نسبت به هم و امکان تلفیق دو رویکرد به لحاظ روشی بررسی شده است.	رسولی و نعمت‌اللهی (۱۴۰۰)
نظریه گفتمان و علوم سیاسی	در این تحقیق تلاش شده تا به بررسی پیشینه تاریخی، آبشخورهای فکری، مبانی معرفتی این نظریه، قدرت و توانمندی آن در تحلیل پدیده‌های سیاسی و اجتماعی و نیز نقدهای وارد بر آن بپردازد.	داوودی (۱۳۸۹)
Discourse Analysis as Theory and Method	با طرح و بحث در مورد مقدمات فلسفی مشترک در همه اشکال ساخت‌گرایی اجتماعی تحلیل گفتمان، به تسهیل طراحی چارچوب‌های تحقیق که از بیش از یکی از رویکردها استفاده می‌کنند، پرداخته است.	Jorgensen & Philips (2014)
نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی	این پژوهش درصدد است با ارائه دسته‌بندی منسجم و منظم از مؤلفه‌های نظریه گفتمان لاکلا و موفه، به‌وسیله برجسته‌سازی مفاهیم اصلی و قرار دادن سایر مفاهیم و مؤلفه‌ها ذیل آن‌ها و نیز ارائه مدل، فهم و چگونگی به‌کارگیری این نظریه را در موضوعات گوناگون سیاسی - اجتماعی در قامت یک چارچوب نظری علمی تسهیل نماید.	کسرابی و شیرازی (۱۳۸۸)
نظریه گفتمان	این نظریه با تکیه بر دیدگاه‌های نویسندگان مارکسیستی چون آنتونیو گرامشی و لوئی آلتوسر و همچنین با در نظر گرفتن نظرات و فرضیه‌های ارائه شده توسط نظریه‌پردازان پسامدرنیستی، به بررسی راه‌هایی می‌پردازد که به‌واسطه آن‌ها این صورت‌بندی‌های گفتمانی، شکل‌گیری هویت‌ها را در جامعه امکان‌پذیر می‌سازند.	هوارث (۱۳۷۷)

عنوان	موضوع محوری	محقق
مدل مفهومی موضوع زن در گفتمان انقلاب اسلامی	با اتخاذ روش تحلیل محتوای کیفی در چارچوب رویکرد منظومه‌ای، دو مفهوم کلیدی الگوی سوم و انسان انقلابی به دست آمد که هریک از این مفاهیم ابعاد تصویر را نمایان می‌کند و تصویر تولید شده مبین نگاه فراجنسیتی، اما با ملاحظات جنسیتی رهبر انقلاب به موضوع زن در کلان منظومه فکری ایشان است.	خادمی و تقی‌زاده (۱۳۹۸)
بررسی گفتمان‌های فعال در نهضت مشروطه	این پژوهش درصدد بررسی نیروهای فعال در نهضت مشروطه با استفاده از روش تحلیل گفتمان برآمده است. از این رو مفروض پژوهش این است که چهار گفتمان ولایت‌محور، شریعت‌محور، قانون‌محور و سلطنت‌محور در مشروطیت ایفای نقش نموده‌اند.	رنجبر (۱۳۹۷)
غیریت، هویت و انقلاب، شکل‌گیری گفتمان انقلابی در ایران	آنچه در چهارچوب این متن می‌گنجد ثقل، دقایق و عناصری است که در بستر هر دو گفتمان بازتاب داشته و منطقه الفراغی را شکل داده که هر دو گروه، جغرافیای انسانی خود را در حریم آن تعریف می‌کردند.	تاجیک (۱۳۷۷)
هویت مدرن و ظهور گفتمان مشروطیت در ایران	تلاش شده تا از چشم‌انداز هویتی به بررسی نحوه مواجهه جامعه ایرانی با دنیای مدرن پرداخته شود.	نظری (۱۳۸۶)
زنان، پیش از مشروطه، پس از مشروطه	به چگونگی حضور سیاسی - اجتماعی زنان ایران در سه دوره مهم مشروطیت و قبل و بعد از آن پرداخته شده است.	شیرودی (۱۳۸۵)
نگرشی گفتمانی به مشارکت زنان در انقلاب اسلامی	این پژوهش بر آن است تا با استفاده از امکانات مفهومی روش تحلیل گفتمان، تبیین نماید که چگونه گفتمان انقلاب اسلامی برخلاف دو گفتمان پیشین خود، یعنی گفتمان‌های سنتی و مدرنیزاسیون، باعث جذب و متعاقباً مشارکت سیاسی زنان در عرصه اجتماعی - سیاسی در ایران گردید.	موسوی و درودی (۱۳۹۲)
بررسی تطبیقی جایگاه زن در گفتمان‌های مختلف تاریخ معاصر ایران	ضمن تبیین رویارویی گفتمان‌های سنت و مدرنیسم، نوع نگاه این گفتمان‌ها را به مسأله زنان و هویت اجتماعی ایشان بررسی کرده است.	قوام و اسدی (۱۳۹۳)

نوآوری پژوهش حاضر در این است که ضمن مرور جایگاه زن در دو برش تاریخی مشروطه و انقلاب اسلامی، با تمرکز با آراء چهره‌های برجسته این دو دوره، تحول گفتمانی زن در ساحت اندیشه‌ورزی ایشان را مورد بررسی قرار داده و نشان می‌دهد که گفتمان‌های متنوع چگونه در نوع نگرش اندیشمندان این دوره نسبت به نیروهای اجتماعی و در اینجا زنان، تأثیرگذار بوده است. تحلیلی که بدون در نظر داشتن گفتمان‌های قالب این دو دوره، ناقص به نظر می‌رسد. در همین راستا، پژوهش حاضر درصدد است تا با الهام از نظریه گفتمان

ارنستو لاکلا^۱ و شنتال موفه^۲ و با استفاده از رویکردها و تفسیرهای ارائه شده از سوی متفکرین برجسته این دو دوره پیرامون جایگاه زنان، به بررسی تحولات گفتمان سنت و تجدد در ایران پردازد.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش روش گردآوری داده‌ها مطالعه کتابخانه‌ای بوده و جهت تحلیل داده‌ها از روش تحلیل گفتمان استفاده شده است. این پژوهش، از نوع پژوهش‌های توصیفی اکتشافی است که در مقام تحلیل داده‌های خود، از منطق روش‌شناختی حاصل از مباحث گفتمانی لاکلا و موفه در شناسایی و تبیین عناصر اصلی گفتمان‌های مختلف دو دوره، بهره می‌برد. گزینش روش تحلیلی این دو به این دلیل است که از میان رویکردهای مختلف گفتمانی به نظر می‌رسد ایده این زوج بیش از رویکردهای دیگر مورد توجه قرار گرفته است. شاید از جمله دلایل این امر تا حدی به این نکته بازگردد که در گفتمان این زوج، امر سیاسی برجسته شد (رادمهر، ۱۳۹۳). این روش، به‌مثابه روشی کیفی برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه دیگر، صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله به‌عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا سروکار نداشته، بلکه ورای آن، با عوامل بیرون از متن یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ارتباطی و امثال آن سروکار دارد (استاک و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۷). لاکلا در پژوهشی با عنوان «ریشه‌های فلسفی نظریه گفتمان»^۳ به بررسی مبانی این روش پرداخته و دیدگاه خود را با اتکاء بر اندیشه‌هایی که بر تفکر او تأثیرگذار بوده‌اند، تبیین می‌کند. او ریشه نظریه گفتمان را در جریان‌های فلسفی قرن بیستم معرفی می‌کند، شامل: فلسفه تحلیلی در آثار متأخر ویتگنشتاین، پدیدارشناسی هایدگر و سرانجام ساختارگرایی و اندیشه‌های پساساختارگرایانه لاکان^۴ و دریدا^۵ (رادمهر، ۱۳۹۳). در ادامه، در قوام رویکرد لاکلا و موفه تئوری زبان‌شناسی ساخت‌گرای دوسوسور^۶ چارچوب معنایی مورد نیاز این رویکرد پساساختارگرا فراهم ساخت. چراکه از نظر دوسوسور، معنای نشانه‌ها و کلمات، نه با ارجاع به جهان خارج، بلکه به‌واسطه رابطه‌ای که با هم در درون نظام زبانی دارند، شکل می‌گیرد (حقیقت و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۱۰۷).

1. Ernesto Laclau
2. Chantal Mouffe
3. Discourse theory
4. Lacan
5. Derrida
6. De Saussure

بنا به نظر لاکلا و موفه این امکان وجود دارد که از یک‌یک پدیده‌های اجتماعی، برداشت گفتمانی ارائه کرد و از این زاویه امور اجتماعی به‌عنوان ساخت‌های گفتمانی تلقی می‌شوند که با امر سیاسی و قدرت ارتباط دارند. در واقع هر گفتمان سیاسی در برگیرنده اصول و فکت‌هایی است که تلقی به‌خصوصی از حیات و کنش‌های سیاسی را ممکن می‌کنند. در این چارچوب هر امر اجتماعی برآمده از آن برش زمانی و مکانی خاص بوده که می‌توان با تحلیل گفتمانی بررسی نمود (اسکندری و همکاران، ۱۴۰۰: ص ۹۹).

تشریح نظریه گفتمان از رویکرد لاکلا و موفه نیازمند تشریح مفاهیم کلیدی گفتمان است که عبارتند از:
دال، مدلول: دال‌ها، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی هستند که در چارچوب گفتمانی خاص بر مفاهیم و معانی خاص آن گفتمان دلالت دارند. در ادامه، معنایی که دال بر آن دلالت دارد، به‌عنوان مدلول شناخته می‌شود (کسرای و شیرازی، ۱۳۸۸: ص ۳۴۳).

- مفصل‌بندی:^۱ هر گفتمان با مرکزیت بخشیدن به یک دسته از عناصر و مؤلفه‌ها و به حاشیه راندن دیگر عناصر و مؤلفه‌ها، به مفصل‌بندی هویت‌های اصلی و حاشیه می‌پردازد که نتیجه این فرایند تأسیس مرزهای هویت غالب^۲ و خلق یک غیریت^۳ در مقابل آن است. این همان چیزی است که به مفصل‌بندی گفتمانی تعبیر می‌شود (مقصودی و حاجی‌پور، ۱۳۹۳: ص ۸۸). به باور لاکلا و موفه، یک گفتمان از نشانه‌های خاصی شکل می‌گیرد. در واقع، گفتمان‌ها ساختارهای معنایی خاصی هستند که در نتیجه روابط بین این نشانه‌ها، از طریق مفصل‌بندی موقتاً ترکیب و تثبیت شده‌اند و از این طریق ساختار معنایی نوینی را ایجاد می‌کند (محمدی، ۱۳۹۴: ص ۱۵۲). در این مفصل‌بندی، دال‌های مختلفی حضور دارند، شامل:

- اما این نمادها به‌خودی‌خود فاقد معنایی خاص بوده، مگر اینکه وارد گفتمان خاص شود. درنهایت، دال شناور دالی است که مدلول آن شناور و غیرثابت است، این دال، که دارای مدلول‌های متعدد است، گفتمان‌ها براساس نظام معنایی خود و متناسب با آن سعی دارند مدلول خودی را به آن الحاق کنند و مدلول‌های غیر را به حاشیه برانند.

- عناصر^۴ و وقته‌ها:^۵ تمایزاتی را که درون گفتمانی خاص مفصل‌بندی شده‌اند، وقته و هر تمایزی که از

1. Articulation
2. Hegemony
3. Antagonism
4. Elements
5. Moments

وجه گفتمانی مفصل‌بندی شده نباشد، به‌عنوان عنصر شناخته می‌شود.

- **سوژه و هویت:** در تحلیل گفتمان فرد، یک سوژه دارای اراده مستقل تلقی نمی‌شود، چراکه هویت او تنها با قرار گرفتن در یک گفتمان است که امکان تحقق پیدا می‌کند (لاکلا و موفه، ۱۳۶۶: ص ۹۳). در مجموع می‌توان گفت که رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه، مفاهیم، سیاست و اجتماع را در کنار هم و در یک ظرف مورد واکاوی قرار می‌دهد.

با بهره‌گیری از رویکرد فوق و پردازش اجزای مختلف چارچوب فکری چهره‌های مورد توجه در پژوهش حاضر، امکان تبیین و تفهیم رویکرد ایشان نسبت به پدیده‌های مهم عرصه سیاسی کشور را می‌توان محقق ساخت. در این پژوهش جایگاه کنشگری و فعالیت زنان در متن گفتمان نظریه‌پردازی چون میرزای نائینی و شهید بهشتی مورد تحلیل قرار گرفته است، تا از این طریق تصویر روشن‌تری از زوایای فکری عملی متفکران این مرز و بوم در دوره‌های مختلف تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی کشور نشان داده شود.

۴. زن در گفتمان‌های مشروطه و انقلاب اسلامی

تاریخ ظهور تجدد در غرب حاکی از آن است که جامعه سنتی آن زمان دچار گسست‌های درون‌زای معرفتی شده بود که راه را برای گفتمان مدرن هموار نموده بود. اندیشه تجدد واجد چند مفهوم اساسی از قبیل عقل‌گرایی، پرسشگری، انسان‌گرایی، فردگرایی، آزادی، برابری و میل به پیشرفت بود. با وجود ورود اندیشه‌های مدرنیستی به ایران عصر قاجاریان چنین گسست‌های درون‌زایی در جامعه ایران دیده نمی‌شد، بلکه بیشتر درخواست تغییر و دگرگونی، وجهی اراده‌گرایانه داشت. همین امر به سرشت‌گذار و شکل‌گیری تحول گفتمانی ناظر بر امور زنان، ویژگی‌های خاصی بخشید (ترابی فارسانی، ۱۳۹۴: ص ۷۰-۷۱).

بررسی مختصات جامعه ایرانی حاکی از آن است که بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای جاری در آن برساخته نوعی سنت‌های عموماً درونی شده بود و قاطبه مردم این سنت‌ها را درون مجموعه آگاهی‌های خود ذخیره داشتند و در زمان‌های تصمیم‌گیری به آن مجموعه رجوع می‌کردند. از همین رو، اکثر زنان ایرانی با توجه به ساخت قدرت سیاسی و قرائت‌های مذهبی و نوع ایدئولوژی حاکم، از تعلیمات ضروری اولیه، محروم می‌شدند. اما از نیمه دوم حکومت مظفرالدین‌شاه به بعد، با درک تجربه مدارس میسیونری و در کنار آن، فعالیت دانش‌آموختگان نوگرا و روشنفکران ایرانی، به تدریج زمینه‌های مساعدی جهت شکل‌گیری مدارس دخترانه و شروع فرایند آموزشی زنانه فراهم شد و با وقوع انقلاب مشروطیت تکامل یافت (بیطرفان و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۱۵۹).

از زمان انقلاب مشروطه به بعد، با تأثیرپذیری از اندیشه‌های مدرنیسم، گفتمانی شکل گرفت که بر اندیشه برابری براساس رد نظام طبیعی مبتنی بر تفاوت ساختار زن و مرد، استوار بود. این نظرگاه، نابرابری موجود در میان زن و مرد را ناشی از سازمان جامعه و نه از هیچ‌گونه تفاوت مهم زیست‌شناختی یا شخصیتی میان زنان و مردان می‌داند. در چنین فضایی، زنان برای نخستین بار در عصر مشروطیت دوگانگی طبیعت و فرهنگ در تفکر مردسالارانه را به چالش کشیدند (استاک و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۱۴).

جنبش مشروطه هرچند تحولی فوری در مناسبات جامعه سنتی و مردسالار ایران ایجاد نکرد، اما زمینه تحولات بعدی را در راستای آگاهی‌بخشی زنان و ارتقاء جایگاه وی فراهم کرد. در واقع افزایش قابلیت و توانایی زنان برای تلاش در نیل به برابری جنسیتی در این دوران، گامی روبه جلو در شکل‌گیری هویت جدید بود که به نوعی حرکت از گفتمان سنتی به گفتمان مدرن محسوب می‌شد (عاملی و همکاران، ۱۴۰۰: ص ۲۲۵).

۵. گفتمان آیت‌الله نائینی و مسأله زن

ورود اندیشه‌های مدرنیستی، توجه به مسأله زنان و حضور ایشان در فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی به‌عنوان نیروی پیش برنده این حرکت مورد توجه رهبران و نظریه‌پردازان جنبش مشروطه قرار گرفت. مدرنیته به عنوان یک گفتمان وارداتی از هر نوع برداشت مطلق‌انگارانه و آمرانه خودداری می‌نمود. نفی اقتدار و سلسله مراتب سنتی، نفی نگرش فروتری زن نسبت به مرد را نیز در پی داشت. با توسعه گفتمان تجددگرا، گفتمان سنتی کوشید تا با تفسیر آیات و احادیث الهی برخلاف جریان یاد شده، موازنه را برهم زند. هرچند این گفتمان بر ساختار اجتماعی هژمونی داشت، ولی در برابر اقلیت مشروطه‌خواه، از لحاظ نویسندگی و قدرت نشر در موضع ضعف قرار داشت (بیطرفان و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۱۸۰).

مقارن با انقلاب مشروطه، مطالبات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زنان هرچند به شکل محدود مطرح شد، اما از آن پس نزاع گفتمان‌ها بر سر تعریف و بازنمایی هویت زن به عنوان سوژه، محل نزاع بین گفتمان‌های موجود در تاریخ ایران قرار گرفت.

میرزای نائینی، از جمله مجتهدان و مراجع طراز اولی بود که در رساله «تنبیه الامه و تنزیه المله» با اتکاء بر اجتهادی درون دینی و با استناد به ادله عقلی و نقلی کوشید تا ضمن رفع حداکثری تعارضات و یا تراحمات احتمالی، در عمل، راه را برای استقرار حکومت مشروطه به لحاظ شرعی هموار و ممکن سازد (بروغنی و همکاران، ۱۴۰۱: ص ۱۱).

در خصوص اینکه نائینی چه دیدگاهی در رابطه با جایگاه کنشگری زن در گفتمان خود دارد، نظر صریحی از ایشان در دست نیست، با وجود این، می‌توان از فحوای کلام وی، به اهمیت برآورده شدن حقوق زنان از منظر دینی با بهره‌گیری از اندیشه‌های جدید در حوزه سیاست پی برد.

انقلاب مشروطه اصول اصلی گفتمان سنتی نسبت به زنان را مورد تشکیک قرار داد و در همین راستا، نائینی در گفتمان خود به جذب عناصری از سیاست و حکومت مدرنیستی که مدلول‌های آن مشروط بودن قدرت هیئت حاکمه و به رسمیت شناخته شدن حق شهروندان در تعیین سرنوشت خود و مداخله در قدرت بود، پرداخت.

از آرای ایشان اینچنین برمی‌آید که وی با مشروعیت بخشیدن به فعالیت سیاسی زنان در کنار مردان، موافق بوده است. به اعتقاد وی، در حکومت جدید، مردم حق مشارکت و لذا حق انتقاد و اعتراض به حکومت را داشته و مقهور اراده شخصی حاکم و متصدیان حکومتی نمی‌باشند. چنین حکومتی^۱ مشروط و محدود به چارچوب‌های عدالت و قانون به عنوان دال‌های شناور است و مردم و زن دارای شأن پرسشگری می‌باشند (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۸۸: ص ۱۷)

در شکل‌گیری و ایجاد هویت یک سوژه، غیر و دیگری بخش مهم را شکل می‌دهد. چراکه تفاوت و تمایز همانند تشابه و یکسانی و یگانگی پایه‌های هویت سوژه را فراهم می‌آورند. نائینی به جایگاه زنان در کنار مردان در مقوله مشارکت و نظارت به‌عنوان رکن رکن حکومت تأکید داشته و اینگونه بیان می‌کند که: محاسبه و مسئولیت کامله در صورتی مشخص و حافظ محدودیت و مانع از تبدیل حکومت به مالکیت (استبداد به‌مثابه غیر) تواند بود که قاطبه متصدیان که قوه اجرائیه‌اند، در تحت نظارت و مسئول هیئت مبعوثان و آنان هم در تحت مراقبه و مسئول آحاد ملت باشند (نائینی، ۱۳۷۸: ص ۳۱؛ به نقل از: توفیق‌یان، ۱۳۹۵).

از منظر نائینی آزادی به معنای رهایی از موانع رشد آدمی است؛ موانعی که باعث بازماندن انسان چه مرد و چه زن از سیر تکامل می‌شود و بدین سبب آزادی واقعی در عبودیت الهی تجلی یافته و در همین راستا نگاه ابزاری غرب به زنان و خودسری و هرزگی، کشف حجاب و بی‌بندوباری به اسم آزادی را غیریت‌سازی کرده و درواقع یک نوع اسارت تلقی می‌کند تا آزادی. وی با تعمیم این تحلیل به مقوله آزادی‌های اجتماعی، حریت و

۱. در این حکومت تمام افراد اهل مملکت به اقتضای مشارکت و مساواتشان در قوا و حقوق، بر مواخذة و سؤال و اعتراض، قادر و ایمن، و در اظهار اعتراض خود آزاد، و طوق مسخریت و مقهوریت در تحت ارادات شخصیه سلطان و سایر متصدیان را در گردن نخواهند داشت (نائینی، ۱۳۷۸: ص ۳۴).

آزادی^۱ را در کنار مساوات به عنوان وقته‌های گفتمانی خود از مقومات حکومت‌ها می‌داند (نائینی، ۱۳۷۸: ص ۳۷-۳۸ به نقل از: توفیقیان، ۱۳۹۵).

نائینی مبانی دال‌های مذکور را به مبانی اسلامی آن منتسب و با شالوده‌شکنی از مدل‌های ایشان در گفتمان مدرن غربی، درصدد برآمد دال‌های مذکور را متناسب با منظومه گفتمان ایرانی اسلامی آن دوران مفصل‌بندی کند.

درواقع نائینی بیشتر به فکر تأسیس و درانداختن مبانی فکری نظم جدید بود و به این مقوله می‌اندیشید که چگونه می‌توان اندیشه‌ای را تأسیس کرد که ضمن پاسخگویی به مسائل جدید، ضامن بازبینی و استمرار فرهنگی جامعه باشد (نظری، ۱۳۸۶: ص ۳۴۱). وی یکی از مقاصد انبیاء را تلاش برای رهایی ملت از استبداد می‌داند و بدین ترتیب به تأیید مشروطیت و شعارهای آزادی‌گرایانه آن می‌پردازد (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۹۹: ص ۱۴).

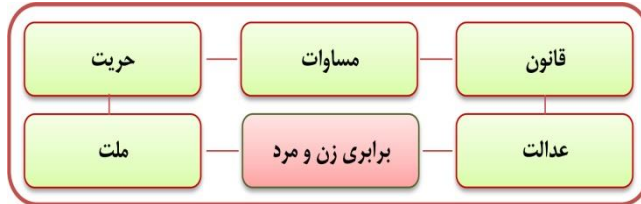
در اندیشه نائینی دایره حکومت و نقش مردم در سرنوشت خود گسترش یافته و گاه در حد حاکمیت مطلق مردم نزدیک می‌شود، ولی درنهایت، مشروعیت امور عمومی را بر نظارت و إذن فقها مقید می‌کند (مقیم، ۱۳۸۰: ص ۲۳۹). او مردم را برای رفع نیازهای نوعی جامعه، آزاد می‌گذارد و برای مردم قطع نظر و جدای از ولایت فقها و حتی فراتر از آن، حقوق سیاسی قائل می‌شود. بدین ترتیب مردم چه زن و چه مرد، در تصمیمات عمومی، نظارت و مشارکت فعال دارند؛ بدون اینکه با ولایت و حیطة ولایت فقها، رابطه داشته باشند (نائینی، ۱۳۷۸: ص ۱۳۷).

در نهایت هویت زن در گفتمان نائینی برخلاف گفتمان پیش از مشروطیت که نابرابری و تفاوت ذاتی زن و مرد را مفصل‌بندی می‌کرد، در تماس با گفتمان تجددگرایانه، برابری زن و مرد را به عنوان دال مرکزی خود قرار می‌داد که مشارکت اجتماعی زنان شانه‌به‌شانه مردان، هویت‌سازی می‌نمود.

با وجود اینکه از سال ۱۲۸۵ش، خطوط تحرکات زنانه در ایران به سمت استقلال بیشتر از مردان و در جهت يك حرکت سازمان‌یافته شکل گرفت، اما آن‌ها کماکان بخشی از يك جنبش بزرگ ملی بودند که در سطح کشور فعالیت می‌کردند. در حقیقت جنبش ملی زنان يك خرده جنبش بود که با جنبش عمومی همکاری می‌کرد. به همین دلیل، با وجود تأکیدات فراوان نائینی بر مقوله ملت و مردم و لاجرم دیده شدن

۱. نائینی تأسیس حکومت را منوط به دو اصل آزادی و مساوات می‌داند و آزادی موردنظر وی آزادی از بند استبداد بود، و نه رهایی از خدا (بصیری و ثنائیان‌زاده، ۱۳۹۱: ص ۱۰).

جایگاه کنشگری زن در کنار مرد، با توجه به فضای فرهنگی حاکم بر جامعه و موقعیت زن در جامعه ایرانی، به صورت طبیعی مشارکت سیاسی زنان به عنوان یک کنشگر تا دهه ها پس از مشروطه نیز محقق نشد.



شکل ۱- مفصل بندی دال مرکزی، دال های شناور و وقته ها در گفتمان میرزای نائینی در خصوص زنان

زن در این دوره در کشاکش دگرگونی معنایی است. از یک سو زن به عنوان موجودی ضعیف و نیازمند قیومیت مرد است. نگرشی که گفتمان سنتی آن را ترویج می کند و از سوی دیگر زن به مثابه همتای مرد است. نگرشی که در فضای معنایی جدید در حال شکل گیری است. از نظر گفتمانی، آنچه در حال وقوع بود، فروریزی ساختار گفتمان سنتی و شکل گیری تدریجی گفتمانی جدید است. روندی که برای آفرینش مفهومی تازه از زن آغاز شده، ولی هنوز به یک گفتمان خاص تبدیل نشده بود.

۶. گفتمان شهید بهشتی و مسأله زن

گفتمان سنتی که نقش تاریخی زن در عرصه تحولات سیاسی اجتماعی را با پیروزی انقلاب پایان یافته دیده و بر جایگاه زنان در تربیت فرزندان و اداره خانواده تأکید داشت (مهرپور، ۱۳۷۹: ص ۱۵). در چنین شرایطی چهره هایی همچون شهید بهشتی در صدد برآمدند ضمن درک مدرنیسم و مقتضیات آن، با دفاع معقول از دین، نوعی سنت را بازتولید کنند. این امر خصوصاً نگرش نسبت به حقوق و وظایف زن را در برمی گرفت، به نحوی که ضمن شالوده شکنی از گفتمان مدرن پیش از انقلاب، برای ایجاد نظمی جدید تلاش می کرد (قوام و اسدی، ۱۳۹۳: ص ۲۶). وی در نگرش های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود شدیداً پایبند به اسلام فقاهتی بود و در تحلیل هیچ یک از مسائل مبتلا به کشور اعم از مناسبات اجتماعی، سیاسی و بین المللی، از چارچوب فقه اسلامی خارج نمی شد. تحلیل مسأله زنان در دیدگاه بهشتی، همچون بسیاری مسائل دیگر، در این چارچوب قرار داشت (میرخانی، ۱۳۸۰: ص ۴۴).

مقومات اندیشه ورزی او به معنای اعم، دغدغه دیرین حریت در میراث فکر دینی ایرانیان و مطلوبیت آزادی سیاسی در مقابل نظام سیاسی خشن و منحط در دوره پهلوی دوم، زمانه و زمینه اندیشه ورزی بهشتی بود

(منوچهری، ۱۳۹۴). وی گفتمان تجددگرای پهلوی که با اتکاء بر دال مرکزی زن مدرن سعی در ارائه معنایی عرفی برای دال‌های وابسته به خود و تقدس‌زدایی از ایشان را داشت، به‌عنوان غیر و دیگری معرفی و بر همین مبنا به مفصل‌بندی دال‌های شناور و بی‌قرار در حوزه گفتمان‌گونگی یعنی دموکراسی، عرف و حقوق بشر حول دال مرکزی و اسلام سیاسی پرداخت (دارا و کرمی، ۱۳۹۶: ص ۹۹).

شهید بهشتی، با اتکا بر آیات قرآنی بر این باور بودند که سوژه زن به‌عنوان یک انسان، از نظر حقوق کلی و اساسی و اجتماعی هیچ تفاوتی با مرد ندارد (ناوشکی و همکاران، ۱۳۹۹: ص ۱۰۴). ایشان در تفسیر آیات ۲۰ و ۲۱ سوره روم، با استناد به خلقت زن و مرد از نفس واحد، یکسان بودن خلقت زن و مرد را به‌عنوان مبنای بهره‌مندی از حقوق مشترک، به‌عنوان وقته‌ای کلیدی در گفتمان خود، مورد تأکید قرار می‌دهد و بر حضور زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی^۲ تأکید دارد.

بهشتی، در ادامه، گفتمان خود را حول دال مرکزی برابری زن و مرد شالوده‌سازی می‌کند و بر آن است که زنان و مردان در موضعی برابر قرار دارند؛ هرچند در برخی از احکام شرعی، به‌عنوان وقته‌ای دیگر، به دلیل تفاوت‌های طبیعی و ماهوی ایشان ممکن است تمایزاتی بین آن‌ها ایجاد گردد (ناوشکی و همکاران، ۱۳۹۹: ص ۱۰۴).

بهشتی با تأکید بر وقته‌های فوق، به‌واسازی زن در گفتمان خود در برابر گفتمان‌های مقابل می‌پردازد و باور دارد تصویر ارائه شده در گفتمان‌های مشروطه و پهلوی‌ها، لزوماً با تصویر واقعی از زن به‌ویژه نگرش اسلامی به وی سازگار نبوده؛ چراکه اسلام ضمن تکریم شخصیت زن، حقوق او را به رسمیت شناخته و زنان را برادران تنی مردان قلمداد کرده است (بهشتی، ۱۳۹۸: ص ۷۵).

یکی از مواردی که در خصوص دال مشارکت سیاسی در گفتمان شهید بهشتی جالب توجه است، مقوله دسترسی زنان به مناصب سیاسی است. به اعتقاد وی، زن هم می‌تواند انتخاب کند و هم می‌تواند نماینده انجمن یا مجلس باشد (بهشتی، ۱۳۹۸: ص ۱۷). وی با تأکید بر اینکه بخشی از شخصیت زنان در ارتباطات و فعالیت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد، پرده‌نشینی زنان به‌عنوان الگوی مربوط به اسلام را رد کرده و آن را برآمده از عرف جامعه و بویژه از سنت‌های باقیمانده از دوره قبل اسلام می‌داند و با‌واسازی گفتمان خود از

۱. «و مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْشُرُونَ - وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» و «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً»

۲. یکی از اقدامات ایشان، تشکیل جامعه‌الزهرا بود که زمینه تحصیل بسیاری از دخترانی را که پیش‌تر توسط خانواده‌هایشان از تحصیل منع می‌شدند، فراهم کرد (بهشتی، ۱۳۹۵).

دال‌های مذکور، گفتمان خود را براساس رفع موانع حضور آگاهانه و آزادانه زنان در اجتماع ساماندهی می‌کند (بهشتی، ۱۳۹۵).

بهشتی، دال شناور آزادی را در گفتمان خود به‌مثابه وجه تمایز آدمی انسان نسبت به دیگر موجودات تلقی می‌کند (پورفرد، ۱۳۹۷: ص ۲۶۰). از طرفی در دستگاه فکری بهشتی، دال اختیار و انتخاب‌گری انسان برجسته می‌شود که سعادت او به قوانین و مقررات الهی به عنوان وقته‌ای دیگر در گفتمان او وابسته است، اجرای این قوانین به وجود یک سازمان اجتماعی آگاه و توانا بستگی دارد. در همین راستا، دال حکومت و سیاست به عنوان ضرورتی عقلی و دینی با دیانت متصل و آمیخته‌اند (لکزایی، ۱۳۸۵: ص ۱۸۵). اما آزادی باید به‌عنوان یک واقعیت عینی و خارجی وجود داشته باشد، تا انسان‌ها بتوانند آسان‌تر و آزادانه‌تر به سمت آزادی درونی حرکت کنند (بهشتی، ۱۳۸۰: ص ۵۶). در همین رابطه وی با اشاره به وقته حجاب در گفتمان خود، این مقوله را نه تنها محدودیتی در تحقق آزادی و انجام فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان نمی‌داند، بلکه معتقد است اسلام حجاب را به‌عنوان احترام به زن مقرر کرده، و نه ضد آزادی او (بهشتی، ۱۳۵۹، به نقل از: محمدی گرمساری، ۱۳۶۰: ص ۳۹). به این ترتیب می‌توان دریافت که بهشتی، با برجسته‌سازی دال حجاب، به عنوان وقته‌ای که هویت زن ایرانی را نمایان می‌کند، آن را زمینه تأمین آزادی و تحقق مشارکت اجتماعی وی تفسیر می‌کند.

در نهایت می‌توان اینگونه بیان کرد که بهشتی با اجتهاد در آیات قرآنی، ضمن حفظ فاصله خود با مدرنیسم و جنبه‌های متنوع آن، عناصر مثبت و سازنده مدرنیسم را با مفاهیم غالب در گفتمان انقلابی خود سازگار کرده و بر این مبنا گفتمان خود در خصوص مسأله زن و حضور وی در عرصه‌های سیاسی اجتماعی را شالوده‌سازی می‌کند.



شکل ۲- مفصل‌بندی دال مرکزی، دال‌های شناور و وقته‌ها در گفتمان شهید بهشتی در خصوص زنان

۷. نتیجه‌گیری

شکوفایی مشروطیت در ایران به سال ۱۲۸۵ شمسی و وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، به‌عنوان مهم‌ترین رویدادهای سیاسی اجتماعی ایران طی یک قرن، فرصتی ارزشمند برای بسیاری از فقها و

اندیشمندان شیعی فراهم ساخت تا موضوعات مبتلابه کشور را منطبق با مقتضیات زمانی و تحولات سیاسی اجتماعی جدید در چارچوب اصول و قواعد هویت ایرانی اسلامی تبیین نمایند.

میرزای نائینی به‌عنوان یکی از علما و نظریه‌پردازان مدافع مشروطه درصدد برآمد با اتکاء به ادله نقلی و کلامی، به توجیه انطباق و سازگاری دین و مشروطه‌خواهی که منطبق نوینی را بر مناسبات سیاسی و اجتماعی ایران حاکم می‌کرد، بپردازد. میرزای نائینی با آگاهی از اینکه مقتضای این دوران متفاوت با اعصار گذشته است، تلاش کرد گفتمان خود را متناسب با مناسبات، اصول و قواعد جدید و در جهت تأمین مصلحت عمومی مردم با در نظر داشتن مبانی دین اسلام، ارائه دهد. گفتمانی که در تقابل با رویکرد سنتی پیش از مشروطه و نگاه ابزاری به زن در اندیشه مدرن، با اقتباس از اندیشه‌های مدرنیستی مبتنی بر قانون، برابری انسان‌ها و نقش‌آفرینی زنان و مردان در تعیین سرنوشت سیاسی اجتماعی، شالوده‌های خود را تثبیت می‌کرد. در دوران انقلاب اسلامی نیز بهشتی به‌عنوان یکی از چهره‌های شاخص این زمان، که تعصبات سنتی، مدرنیسم پهلوی و بی‌توجهی به هویت دینی را به‌عنوان غیر شناسایی می‌کرد، ضمن اعتقاد به‌حق طبیعی انسان‌ها، با اتکاء بر مبانی دینی و با توجه به مقتضیات زمانی، زن را نه در موقعیتی مادون مرد، بلکه برابر با وی قرار می‌دهد. شالوده گفتمان این دو چهره در تبیین جایگاه زنان در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲- مقایسه جایگاه سیاسی زنان در گفتمان‌های علامه نائینی و شهید بهشتی

گفتمان شاخص	نائینی	بهشتی
دال	سیاست	سیاست، مشارکت، ملت، شناخت
مدلول	مشروطه، دموکراتیک، حاکمیت مردم، نظارت فقهی	سیاست و حکومت دینی فقهی، کمال و سعادت معنوی مردم، محوریت قرآن
دال مرکزی	برابری زن و مرد	برابری زن و مرد
دیگری یا غیر	استبداد، نگاه ابزاری غرب، سنت	تجددگرایی پهلوی، سنت و عرف
دال شناور	عدالت، قانون، نوع بشر	حقوق بشر، دموکراسی
عناصر	مشروعیت	مشارکت سیاسی، نوع بشر، اختیار و آزادی،
وقته‌ها	آزادی و حریت، مساوات	اسلام سیاسی فقاهتی، حجاب و عفاف، اختیار و انتخاب
سوزه	زن	زن

در واقع، رویارویی ایران با گفتمان مدرنیسم سبب شد تا متفکرانی همچون نائینی در زمان مشروطه و بهشتی در زمان انقلاب، با اتکاء بر ابزارهایی همچون اجتهاد، بسیاری از دال‌های گفتمان مدرن همچون

برابری زن و مرد یا حضور اجتماعی زنان در فعالیتهای مختلف سیاسی و اجتماعی را در درون خود جذب کرده و مجدد هویت بخشی کنند. با وجود شباهتهایی که در نوع نگاه به زن در گفتمان دو چهره مورد مطالعه دیده می شود، به ویژه در مسائلی همچون آزادی در چارچوب شریعت، حجاب و غیره، می توان این تمایز را دریافت که در گفتمان نائینی با توجه به شرایط زمانی و مقتضیات سیاسی اجتماعی آن دوران که بیشتر مطالبات دموکراتیک مورد توجه مشروطه خواهان بود، لاجرم نگاه نائینی به مقوله زن در واقع تابعی در کنار دیگر توابع بوده و به شکل مستقل مورد تمرکز و تأکید قرار نگرفته است. اما در گفتمان بهشتی که مشخصاً برآمده از شرایط انقلابی و شکل گیری چارچوب اسلام فقاهتی پس از انقلاب است، با نگاهی نواز درون گفتمان سنت، ضمن شناسایی و تأکید بر ابعاد مختلف کنشگری زنان، این مقوله را در بُعد عملیاتی تحلیل نموده است؛ حال آنکه در گفتمان نائینی، به دلیل تداوم ساختار سنتی ایران دوره مشروطه و عدم انجام اصلاحات اساسی در حوزه زنان، کماکان گفتمان سنتی پیش از مشروطه دارای غلبه بود.

منابع

- استاک، روح‌اله و همکاران (۱۳۹۷). جایگاه و هویت زن در جدال گفتمان‌های ایرانی. *زن و فرهنگ*، ۹(۳۵): ص ۷-۲۲.
- اسفندیار، ولی‌الله و همکاران (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی آزادی فرد و قدرت دولت در اندیشه سیاسی آیت‌الله نائینی و شیخ فضل‌الله نوری. *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، شماره ۲۶: ص ۱-۱۸.
- اسکندری، پریا و همکاران (۱۴۰۰). حقوق زنان ایرانی در کشاکش سنت و مدرنیسم؛ مقایسه آراء مرتضی مطهری و داریوش شایگان. *مطالعات سیاسی*، ۱۳(۱۵): ص ۹۷-۱۱۸.
- بروغنی، نازنین زهرا و همکاران (۱۴۰۱). تفسیر مفهوم مصلحت عمومی در بستر اندیشه موافقان مشروطیت با تأکید بر آرای شیخ اسماعیل محلاتی غروی. *پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۳۱(۳۱): ص ۱-۲۰.
- بصری، محمدعلی؛ ثنائیان‌زاده، خدیجه (۱۳۹۱). مقایسه اندیشه سیاسی میرزای نائینی و شیخ فضل‌الله نوری. *دانش سیاسی و بین‌الملل*، ۱(۱۴): ص ۱-۱۶.
- بهشتی، سید محمد (۱۳۸۰). *تقش آزادی در تربیت کودکان*. تهران: بقعه.
- بهشتی، سید محمد (۱۳۹۸). *موقعیت زن در اسلام*. تهران: نشر روزنه.
- بهشتی، علیرضا (۱۳۹۵). *نشست تخصصی زن در گفتمان سیاسی دکتر بهشتی*. قابل دسترس در:
<https://jwdp.ut.ac.ir/news?newsCode=1595>
- بیطرفان، محمد و همکاران (۱۳۹۶). انقلاب مشروطیت و اعتراض علیه جایگاه آموزشی و تربیتی زنان در ایران ۱۲۸۵-۱۲۸۷. *علوم اجتماعی*، ۲۴(۷۹): ص ۱۵۹-۱۸۹.
- پروین، مریم (۱۳۸۹). انقلاب مشروطه و جنبش زنان. *یادایم*، شماره ۵۹.
- پورفرد، مسعود (۱۳۹۷). *صورت‌بنای روشنفکری در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷). غربیت، هویت و انقلاب، شکل‌گیری گفتمان انقلابی در ایران. *متین*، شماره ۱.
- ترابی‌فارسانی، سهیلا (۱۳۹۴). زن و تحول گفتمان از خلال نشریه‌های زنان: مشروطه تا پهلوی. *تاریخ اسلام و ایران*، ۲۶(۳۰): ص ۶۹-۹۲.
- توفیق‌یان، ابوالحسن (۱۳۹۵). *نگاهی به حیات سیاسی - اجتماعی آیت‌الله میرزا حسین نائینی*. قابل دسترس در:
<https://www.cgie.org.ir/fa/news/140826>
- چمنی مقدم، مصطفی و همکاران (۱۴۰۰). ملی‌گرایی و جنبش زنان در ایران (۱۲۸۵-۱۳۴۲). *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ۱۵(۲۹): ص ۲۱۴-۲۳۹.
- حقیقت، صادق و همکاران (۱۳۹۶). *رهیافت و روش در علوم سیاسی*. تهران: انتشارات سمت.
- خادمی، عاطفه؛ تقی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۸). مدل مفهومی موضوع زن در گفتمان انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای). *زن در توسعه و سیاست*، شماره ۱۷.
- دارا، جلیل؛ کرمی، مصطفی (۱۳۹۶). *آزاداندیشی در گفتمان انقلاب اسلامی*. *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ۲(۶): ص ۹۱-۱۲۰.
- داوودی، علی اصغر (۱۳۸۹). *نظریه گفتمان و علوم سیاسی*. *مطالعات سیاسی*، ۲(۸).

رادمهر، محمد (۱۳۹۳). نگاهی به رهیافت گفتمان در عرصه روش‌شناسی. قابل دسترس در:

<https://www.farhangemrooz.com/news/19863>

رحیم‌پور ازغدی، حسن (۱۳۸۸). *مشروطه شرعی و مشروطه شرطی: بازخوانی آراء میرزای نائینی و شیخ فضل‌الله نوری*. تهران: انتشارات طرح فردا.

رسولی، محمدرضا؛ نعمت‌اللهی، پویا (۱۴۰۰). *نظریه گفتمان از ساختارگرایی تا پساساختارگرایی*. لوگوس.

رنجبر، محمدرضا (۱۳۹۷). *بررسی گفتمان‌های فعال در نهضت مشروطه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: دانشگاه باقرالعلوم.

سیمبر، رضا؛ رضاپور، دانیال (۱۳۹۷). *جایگاه زنان در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی ایران*. زن و جامعه، شماره ۲: ص ۱۳۳-۱۵۴.

شیرودی، مرتضی (۱۳۸۵). *زنان، پیش از مشروطه، پس از مشروطه*. زمانه، شماره ۴۸.

عاملی، مریم و همکاران (۱۴۰۰). *تحلیل گفتمان خاطرات زنان عصر مشروطه و پهلوی*. *ادبیات پارسی معاصر*، ۱۱(۲): ص ۲۱۷-۲۴۵.

قوام، عبدالعلی؛ اسدی، مشکات (۱۳۹۳). *بررسی تطبیقی جایگاه زن در گفتمان‌های مختلف تاریخ معاصر ایران*. *مطالعات فرهنگی*، شماره ۲۳.

کسرابی، محمدسالار؛ شیرازی، علی (۱۳۸۸). *نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی*. *سیاست*، ۳۹(۳): ص ۳۳۹-۳۶۰.

لاکلا، ارنستو؛ موفه، شنتال (۱۳۶۶). *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی*. ترجمه محمد رضایی. تهران: ثالث.

لکزایی، شریف (۱۳۸۵). *تأملی در آرای آیت‌الله دکتر بهشتی: آزادی در نظام سیاسی و تربیتی*. پگاه حوزه، شماره ۱۸۵.

محمدی گرمساری، علی (۱۳۶۰). *نقش اجتماعی و حقوقی زن در اسلام: سخنرانی‌های شهید بهشتی پیرامون مقوله زن و حجاب*. قم: نشر قدس.

محمدی، فردین (۱۳۹۴). *تربیت نسل جدید؛ دال شناور جدال گفتمانی در ایران*. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۵(۱۸): ص ۱۴۵-۱۷۲.

مقصودی، مجتبی؛ حاجی‌پور، سیمین (۱۳۹۳). *انسان به‌مثابه دال مرکزی در گفتمان اعتدال: مطالعه الگوی حکومتی امام‌علی(ع)*. *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۵(۳۵): ص ۸۱-۱۱۳.

مقیمی، غلامحسین (۱۳۸۰). *ولایت سیاسی در فقه شیعه*. *علوم سیاسی*، ۴(۱): ص ۱۳۶-۱۵۸.

منوچهری، عباس (۱۳۹۴). *انسان و آزادی در باور شهید بهشتی*. مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی.

مهرپور، حسین (۱۳۷۹). *مباحثی در حقوق زن*. تهران: نشر اطلاعات.

موسوی، سید صدرالدین؛ درودی، مسعود؛ اسلانی کتولی، انسبه (۱۳۹۲). *نگرشی گفتمانی به مشارکت زنان در انقلاب اسلامی*. *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ۳(۶).

میرخانی، عزت‌السادات (۱۳۸۰). *سیری در سیره شهید بهشتی*. *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۱۲.

ناوشکی، حسین و همکاران (۱۳۹۹). *زن در شیعه و سلفیه و دلایل تحول آن در گفتمان شیعه*. *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۸(۳): ص ۹۱-۱۱۹.

- نائینی، محمدحسین (۱۳۷۸). *تنبيه الامه تنزیله المله*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نظری، اشرف (۱۳۸۶). هویت مدرن و ظهور گفتمان مشروطیت در ایران. *مطالعات ملی*، شماره ۳۲.
- هوارث، دیوید (۱۳۷۷). نظریه گفتمان. ترجمه علی اصغر سلطانی. *علوم سیاسی*، شماره ۲.
- Jorgensen, M. & Phillips, L. (2014). *Discourse Analysis as Theory and Method*. London: Thousand Oaks; New Delhi: Sage Publication.